

چشائیدیم و نعمت ها و مواهب پروردگارا سپاس گزاردیم در صدد
بر آمدیم که در آئین و قوانین و رسوم تجدید نظر کنیم و بنگریم که
میان آئین و نظاماتی که نیاکان ما نهاده اند کدام يك برای سپاه و رعیت
ما سودمند تر و نافع تر است و بطریق الایم فالایم آنها را دستور خویش
بسازیم - پس مراجعه کردیم به عهد پدران خودمان از گشتاسب شاه
گرفته تا غباد آخرین پدرمان و هر آئینی را که نهاده اند و نیکو و
مقتضی زمان بود استوار و مجری داشتیم و آنچه را که نامناسب و مفسد
یافتیم ترك گفتیم و تعصب و عشق نیاکان را در این کار دخالت ندادیم
تا بد را نیز چون از ایشان رسیده است نيك بشمریم بلکه در این امر
رضای الهی و سپاس و طاعت او را در نظر گرفتیم و آنچه را به خشنودی
حق تعالی مقرون دانستیم برداشتیم و غیر آنرا گذاشتیم ، ما در آئین
سازی جدید خود نخست بمطالعه آئین پدران مان آغازیدیم زیرا آنها
حق برتری و اولویت دارند ولیکن در قبول آداب و نظامات فقط پی
حق را گرفتیم و با حق پیوند و خویشاوندی کردیم و جز حق را
مراعات نکردیم - بعد از صرافی آئین نیاکان به مطالعه آئین روم و
هندوستان پرداختیم و از میان آنها هر قانونی را که پسندیده یافتیم
برگزیدیم و معیار این انتخاب فقط عقول ما بود و ممیز آن حواس
ما - پس همه این آئین و نظامات را گرد آورده جمال دولت خویش
را به آنها مزین گردانیدیم و آنها را دستور عام قرار داده به عمل
و عادت در آوردیم و در رد و قبول قوانین و نظامات روم و هند
هرگز از هوا و هوس خود پیروی نکردیم چنانکه عین همین حقیقت را هم به

دولتین مزبور نوشتیم و هرچه را که از آئین ایشان مکروه یافتیم بخودشان آشکارا نموده آنان را نیز از ادامه آن آئین مکروه منع نمودیم و بجای آن ماده نافع دیگری پیشنهاد کردیم جز آنکه ما هرگز نمیخواهیم و در این صدد نبوده ایم که گروهی را اجباراً از مشایعت آئین یا دین ملی شان باز بداریم و همچنین بر آنچه از نیکوئی که نزد آنان معمول و موجود بینیم حسد نمیبریم و معذالک از فرا گرفتن نیکوئی های ایشان پیروی آنان ننک مان نمی آید زیرا از جمله بزرگترین و زیبا ترین زیور هائی که سلطنت يك پادشاه را مزین میسازد آنست که به حق اعتراف نماید و علم و دانش را محترم داشته به آن تعظیم و از آن پیروی کند و از بزرگترین اعمال مضریکه بر پادشاه زیان میرساند آنست که از فرا گرفتن دانش و معرفت ننکش آید و نسبت بعلم نخوت و غرور ورزد و در فرا گرفتن علم از دیگران تعصب دامن گیرش شود زیرا تا کسی علم را از دیگری نیاموزد چگونه دانا گردد پس بعد از آنکه هر چه از تدبیر (دیپلوماسی) و سیاست (پلیتیک) نزد دو ملت روم و هند پسندیدم گرفتم و از آئین نیاکان مان آنچه نکو یافتم اتخاذ کردم و به تجربیات و آراء شخصی خودم آنها را افزودم و تجارب سایر پادشاهان را از غیر ایرانی بدین جمله منضم ساختم فی الحقیقه به آرزوی خود رسیده چیزی را که سرمایه خیر و ظفر است بچنک آورده بودم و دیگر به آئین و رسوم سایر ملل پشت پا زدم زیرا پس از مطالعه در نزد آنان نه رأی صواب یافتم و نه عقل کامل و نه حس لطیف و فکر عمیق و همگان را پیرو ستم و حسد دیدم و متابع

حرص و آز و غدر و خیانت و سوء تدبیر و جهالت و بد عهدی و بنخل
و خست و بالجمله فاقد مکارم اخلاق و مهال است که با چنین رذایلی
مملکت آبادان گردد و ثروت و تمکن ملتی را فراهم آید.
(انجام)